

# علم أصول الفقه

١٥-١٢-١٩ تعريف علم اصول فقه ٦١

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

مبادی تصویری

فصل اول: تعریف علم اصول

فصل دوم: موضوع علم اصول

فصل سوم: نسبت بین علم اصول و سایر علوم

فصل چهارم: اعتباریات

فصل پنجم: حکم

فصل ششم: امثال

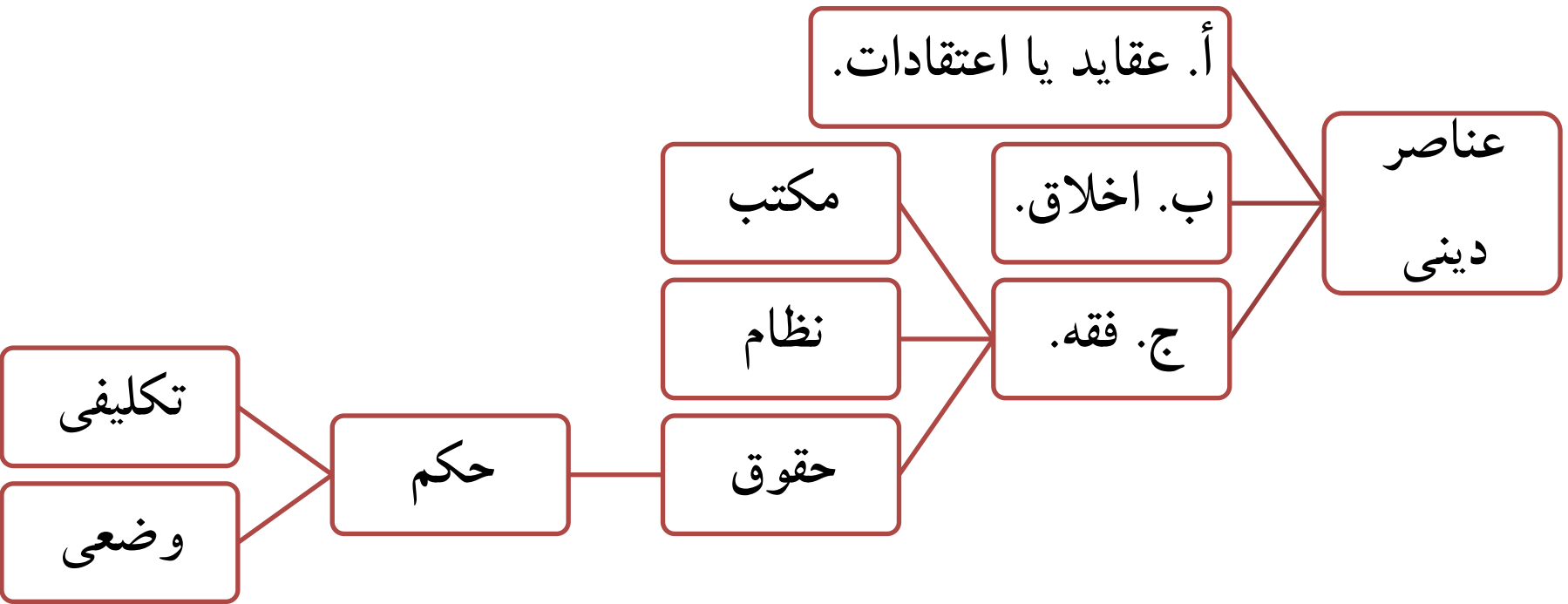
فصل هفتم: موضوع و متعلق حکم

فصل هشتم: نسخ

فصل نهم: حجت

فصل دهم: استنباط

# عناصر دين



## حکم تکلیفی و وضعی

- شهید صدر در تعریف این دو، از تعبیر خوبی بهره می‌گیرد.
- وی می‌گوید: احکام تکلیفی، اعتبارات شرعی هستند که برای جهت دادن مستقیم (توجیه مباشر) به مکلفان به کار می‌روند؛ در حالی که احکام وضعی، اعتبارات شرعی هستند که شارع برای توجیه غیر مباشر از آنها استفاده می‌کند.
- شارع با احکام، مکلفان را از یک سری مسیرها منع و به جهت خاصی هدایت می‌کند، اما نحوه‌ی جهت دادن در احکام تکلیفی، مستقیم، و در احکام وضعی، غیر مستقیم است.

## حکم تکلیفی و وضعی

- در احکام تکلیفی شارع می گوید: لازم است فلان کار را انجام دهی (یعنی واجب است)، لازم است فلان کار را ترک کنی (یعنی حرام است)، بهتر است فلان کار را انجام دهی (یعنی مستحب است)، بهتر است فلان کار را ترک کنی (یعنی مکروه است) و خواستی انجام بده و خواستی ترک کن (یعنی مباح است). به عبارت دیگر شارع مکلفان را به طور مستقیم جهت می دهد.

## حکم تکلیفی و وضعی

- اما در احکام وضعی، شارع مفهومی را اعتبار می‌کند که یک سری آثار تکلیفی دارد. به لحاظ آن آثار تکلیفی، یک سری جهت‌گیری‌ها در زندگی پیدا می‌شود.

## حکم تکلیفی و وضعی

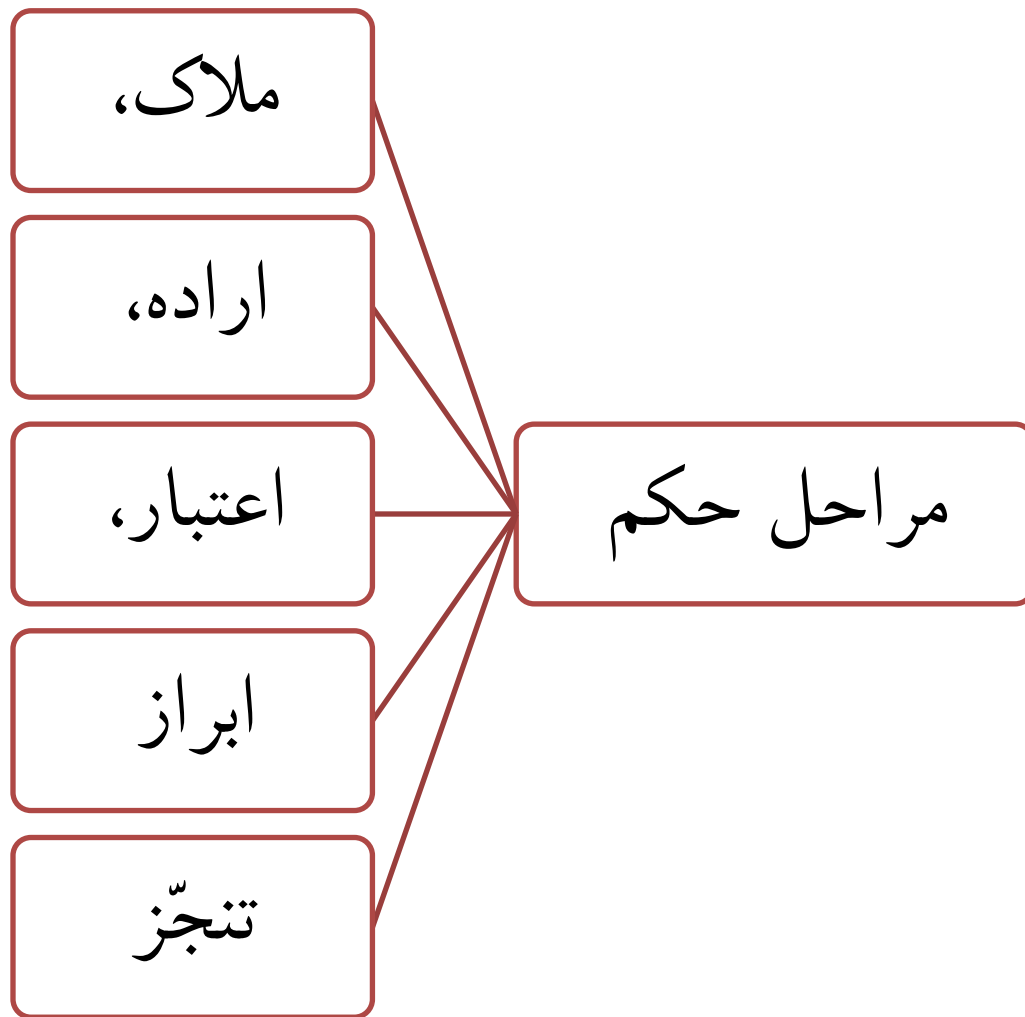
- مفهوم زوجیت مثلاً، یک حکم وضعی و اعتبار شرعی است. بر این مفهوم، آثاری مترتب می‌شود. وقتی بین زن و مرد علقه‌ی زوجیت برقرار می‌شود، هیچ اتفاق تکوینی نیفتاده است. یک زن و مرد قبل از عقد نکاح به لحاظ تکوینی، همان نسبتی را دارند که بعد از عقد نکاح دارا هستند. عقد نکاح صرفاً یک اعتبار شرعی است. با این اعتبار که با یک سری شرایط و ویژگی‌هایی تحقق می‌یابد، آثاری پیدا می‌شود. مجموعه‌ای از تکالیف متوجه مرد و مجموعه‌ای دیگر متوجه زن می‌گردد. حقوقی برای هر یک از آنها شکل می‌گیرد که در رفتارهای آنها نسبت به هم تأثیر دارد و به آنها جهت می‌دهد.

## مراحل حکم

- حکم شرعی چگونه پیدا می شود؟ چه مراحل را طی می کند؟
- هر حکمی در طی مراحل، اعتبار می شود.



# مراحل حکم



## مراحل حکم

- اولین مرحله، ملاک حکم است.
- ملاک حکم از سنخ حکم نیست؛ بلکه یک امر تکوینی مستقل از اعتبارات شرعی است.
- ملاک، ریشه و مبداء حکم می‌باشد و به تعبیر شهید صدر، چیزی در واقع وجود دارد که برای تأمین آن امر واقعی، یک اعتباری صورت می‌گیرد.
- در بیان دیگر می‌توان گفت: چیزی در واقع هست که اثر آن، مطلوبیت و مبعوضیت در شارع است.

## مراحل حکم

- دومین مرحله اراده شارع است.
- در پی وجود ملاک، اراده‌ای به تناسب آن در شارع شکل می‌گیرد. اگر محبوبیت و مصلحتی دارد، شوق شارع به تحقق آن و اگر مبعوضیت و مفسده‌ای دارد، اراده‌ی شارع به ترک و اجتناب از آن تعلق می‌گیرد.

## مراحل حکم

- مرحله سوم اعتبار و جعل حکم است.
- وقتی اراده‌ای به تناسب ملاکی که در آن امر واقعی وجود دارد، ایجاد شود، یک اعتبار شرعی شکل می‌گیرد.
- یعنی وقتی اراده‌ی تحصیل مصلحت یا اجتناب از مفسده در نفس شارع پیدا شود، به تناسب آن یک اعتبار حاصل می‌شود. این اعتبار خود حکم است.

## مراحل حکم

- مراحل قبل از اعتبار، یعنی ملاک و اراده، خود حکم نیستند؛ بلکه مبدء حکم به حساب می آیند.
- حکم آنجا است که اعتباری متناسب با اراده (اراده‌ای که خود متناسب با ملاک بود) شکل گیرد.

## مراحل حکم

- مرحله چهارم ابراز است.
- این اعتبار باید برای مکلفان بیان شود تا اثر مورد نظر شارع، یعنی جهت دادن به رفتارهای مکلفان، حاصل گردد. این مرحله را ابراز حکم می‌نامیم.

## مراحل حکم

- مرحله پنجم تنجز حکم است.
- وقتی ابراز به گونه‌ای تحقق بیابد که حکم شارع و اعتبار او برای مکلف احراز شود، عقل حکم می‌کند که این حکم برای مکلف منجز است.

## مراحل حکم

- در نتیجه در هر حکمی با این مفاهیم مواجهیم: ملاک، اراده، اعتبار، ابراز و تنجّز یا تنجیز.
- از این مفاهیم که مراحل حکم هستند، برخی قبل از اعتبار و برخی بعد از اعتبار قرار دارند.



## مراحل حکم

- ملاک و اراده که قبل از حکمند، از امور تکوینی به حساب می آیند. واقعی بودن آنها را می توان در مثال زیر این گونه شرح داد:

## مراحل حکم

- شرب خمر، زیان بدنی دارد، باعث از دست رفتن عقل می شود. هر کس شراب بخورد، چه بداند شرب خمر قانوناً حرام است و چه نداند، شراب در بدن او تأثیر می گذارد. اعتبار یا عدم اعتبار تأثیری در اثر خمر ندارد.

## مراحل حکم

- مفسده‌ی موجود در شرب خمر موجب می‌گردد اراده‌ای در نفس شارع تحقق یابد. اراده‌ی شارع به اجتناب مکلفان از خمر تعلق می‌گیرد. خود اراده نیز یک امر واقعی است.

## مراحل حکم

- اینجا است که شارع بر اساس اراده‌ای که بر طبق ملاک حاصل شده، حکمی را جعل می‌کند.
- اعتبار یا به تعبیری انشاء مثلاً از طریق وحی به پیامبر ابلاغ می‌شود و پیامبر مسئول رساندن این حکم یعنی حرمت شرب خمر است.

## مراحل حکم

- وقتی بیان به مردم برسد و واصل شود، تنجز حاصل می‌شود. بیان واصل، موضوع تنجز است.
- اگر شارع بیان کند، اما به مکلفان نرسد، ابراز محقق شده؛ اما تنجز صورت نگرفته است.
- زیرا عقل با بیان واصل حکم می‌کند که مکلف در مقابل تکلیف مسئول است؛ اگر انجام دهد، ثواب می‌بیند و اگر انجام ندهد، مستحق عذاب می‌شود.
- تنجز یک داوری عقلی است. پس از خود حکم خارج است.

## مراحل حکم

- چند نکته

- ا. مقایسه‌ی قانون شرعی با قانون بشری:

- همواره کار شارع با موالی اعتیادیه (رؤوسای عادی) مقایسه می‌شود. هم شهید صدر و هم اصولی‌های دیگر این گونه عمل کرده‌اند. انسان-هایی که ریاست و مولویت دارند، وقتی می‌خواهند حکم کنند، این مراحل را طی می‌نمایند.

## مراحل حکم

- آنها ملاکی را درک می‌کنند، بر اساس آن اراده‌ای در آنها پیدا می‌شود، بر طبق آن اراده، حکمی اعتبار می‌شود و این حکم برای دیگران ابراز می‌گردد. حکم خداوند با چنین انسان-هایی مقایسه و همان مراحل نیز به آن نسبت داده می‌شود.

## مراحل حکم

- در حالی که واضح است چنین تعابیری در مورد خداوند دقیق نیست. درست است خداوند نیز ملاکی را درک می‌کند، اما درک او و علم او همانند انسان مسبوق به جهل نیست.
- اراده‌ی او نیز اگر چه از حیث مفهوم با اراده‌ی انسان یکی است؛ اما به حقیقت متفاوت است. اراده مشترک لفظی نیست؛ اما مقول به تشکیک است. اراده‌ی خداوند با اراده‌ی انسان مصداقاً فرق می‌کند.



## مراحل حکم

- اعتبار هم همین طور است. اعتبار در انسان یک کار و فعالیت ذهنی است. ما در واقع یک مفهومی را با اعتبار، جعل و ایجاد می‌کنیم. این جعل و ایجاد با استفاده از آن مفاهیمی که از حقایق درک کرده‌ایم، صورت گرفته است.

## مراحل حکم

- به عبارت دیگر ذهن ماده‌ی خام خلاقیت خویش را از عالم عین و حقیقت گرفته است. او در این ماده‌ی خام تصرف می‌کند و مفاهیمی را ایجاد می‌کند که واقعیت عینی ندارند و خود ذهن به واقعی نبودن آنها اذعان دارد.

## مراحل حکم

- مثلاً مالکیت در نظر ذهن یک نوع سلطه‌ی اعتباری است که با سلطه‌ی تکوینی مثل تسلط بر انگشتری که در دست داریم و می‌توانیم از آن استفاده کنیم، متفاوت است. این که مالک آن انگشتر هستیم، یک امر اعتباری است و چه بسا انگشتری در دست داشته باشیم که مالک آن نیستیم. در اینجا سلطه‌ی تکوینی وجود دارد؛ ولی سلطه‌ی اعتباری نیست؛ یعنی می‌توان بین سلطه‌ی اعتباری و تکوینی، تفکیک قایل شد. الزاماً این گونه نیست که هر جا سلطه‌ی تکوینی وجود دارد، سلطه‌ی اعتباری هم محقق است.

## مراحل حکم

- براساس این بیان، احکام شرعی نوعی تقیین و قانون گذاری، شبیه قوانین بشری هستند و همان گونه که در قوانین بشری قانون گذار با تقنینات خودش، جامعه را به سمت و سوی خاصی هدایت می کند، شارع هم با قانون گذاری خویش، مکلفان را به صورت فردی و اجتماعی به سمت و سویی هدایت می کند. به همین دلیل در مباحث فقهی و اصولی دایماً تقنینات شرعی را با تقنینات بشری، قیاس می کنیم.

## مراحل حکم

- روح این دو تقنین با هم یکسان است؛ ولی تفاوتی نیز دارند.
- در تقنینات بشری، بشر بر اساس عقل خود ملاکی را درک می‌کند و بر اساس آن حکمی را اعتبار می‌نماید که چه بسا ممکن است در ادراک ملاک اشتباه کرده باشد؛ در حالی که در ملاکات شارع، هیچ خطایی رخ نمی‌دهد.
- از این روی، تقنینات بشری، مبتنی بر آزمون و خطا است. انسان، قانونی را وضع می‌کند و بعد از مدتی معلوم می‌شود که نتیجه‌ی مطلوب از آن حاصل نمی‌شود. پس به تغییر قانون می‌پردازد.

## مراحل حکم

- ب. قانون در شریعت خاتم:
- اساس دین، به ویژه دین خاتم (یعنی اساس دین اسلام) بر تنظیم روابط انسان‌ها بر طبق قانون است. این مطلب با توجه به همان تقسیم سنتی عناصر دین به عقاید، فقه یا شریعت، و اخلاق واضح است.

## مراحل حکم

- عقاید در واقع بستر و زمینه‌ی ایمان را فراهم می‌کند. انسان با داشتن اعتقادات، در زمره‌ی مؤمنان قرار می‌گیرد. اخلاق حاصل و کارکرد رفتارهای بشر را مورد توجه قرار می‌دهد. اینجا است که در اثر اعمالی، ملکاتی در روح انسان پیدا می‌شود.

## مراحل حکم

- آن قسمتی از دین که با رفتارهای عینی سر و کار دارد، فقه یا شریعت است. این قسمت روابط ما با خدا، روابط ما با سایر انسان‌ها، روابط ما با طبیعت و حتی به تعبیری روابط ما با خودمان را تنظیم می‌کند.



## مراحل حکم

- از این روی قانون و فقه در شریعت خاتم، امری فراتر از قوانین بشری است. قوانین بشری صرفاً روابط بین انسان هارا تنظیم می کند. البته اخیراً با توجه بشر به حفظ محیط زیست، قوانینی نیز در ارتباط با طبیعت وضع می شود. قبل از طرح حفظ محیط زیست، در قاموس حقوقی بشر، قانون منحصر در روابط انسان ها بود.

## مراحل حکم

- به عبارت دیگر در حوزه‌ی تفکر دینی، قانون معنایی وسیع‌تر از آنچه در قوانین بشری جریان دارد، یافته است. اساس دین صرفاً بر تنظیم روابط انسان‌ها با یکدیگر نیست. دین بر نوعی قانون گذاری و تنظیم قانونی در تمام زمینه‌ها استوار است.

- در بحث‌های آینده اشاره خواهیم کرد که چگونه دین تمام ساحت‌ها و حوزه‌های حیات بشری را فرا می‌گیرد و چه حوزه-هایی ثابت و غیر متحول و چه حوزه-هایی غیر ثابت و متحول است.

## مراحل حکم

• ج. عدم ضرورت اعتبار در نزد شهید صدر:

• شهید صدر نکته‌ای را در مراحل حکم بیان می‌کند که جای بسی تأمل است. در نظر وی در مراحل حکم، اعتبار، یک امر ضروری نیست. حکم شرعی حتماً باید ملاکی داشته باشد، حکم بی-ملاک میسر نیست و حتماً باید مولی اراده‌ای نسبت به آن داشته باشد، مولی حکم بدون اراده صادر نمی‌کند؛ اما اعتبار عنصر ضروری نیست. شارع از آن روی اعتبار می‌کند که می‌بیند عقلاً در روش عادی و متعارف خود چنین می‌کنند. عقلاً عادت به اعتبار دارند. شارع نیز همان روش را پی می‌گیرد؛ بدون این که ضرورتی وجود داشته باشد.